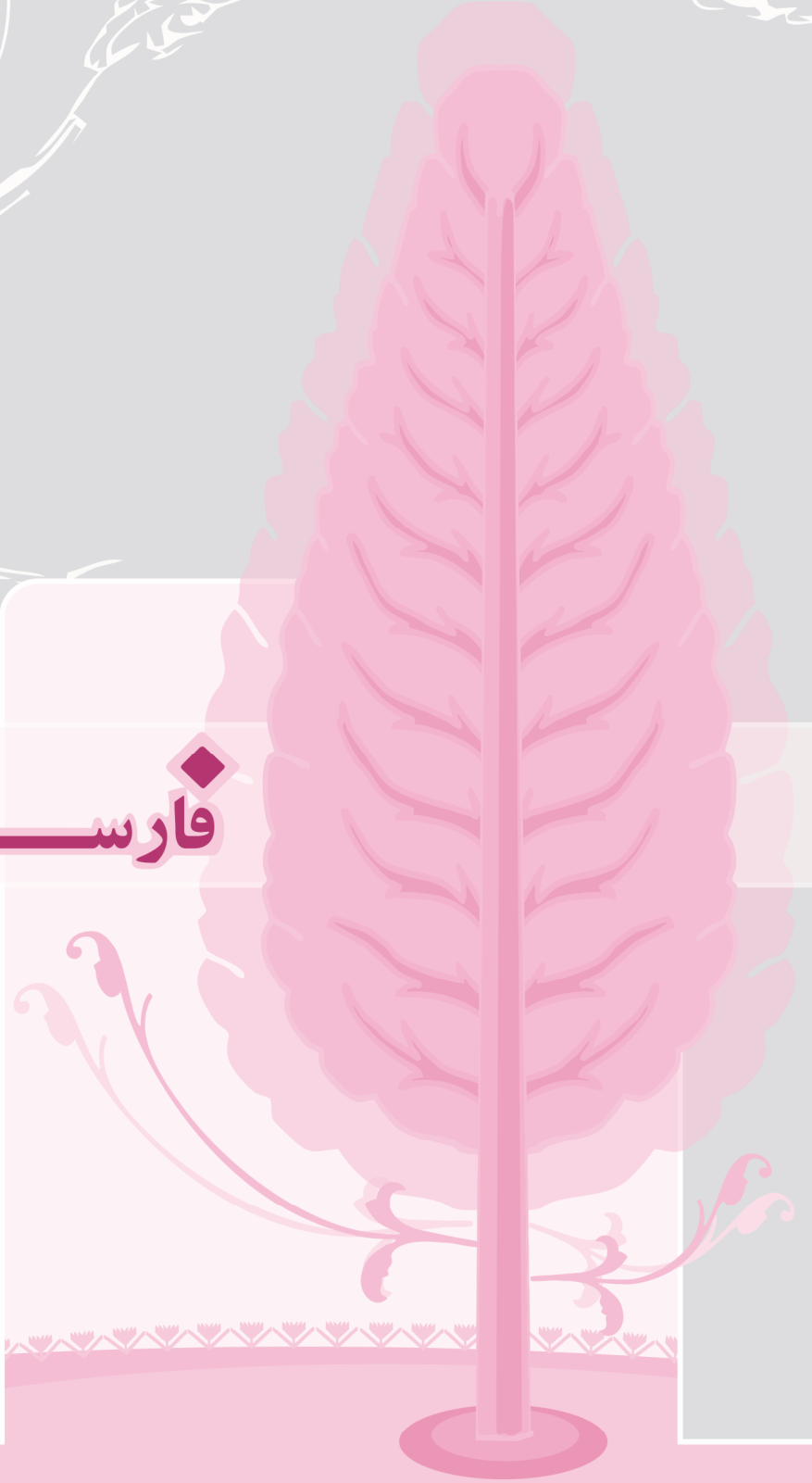


فارسی نام

● مؤلف: حمید طالب تبار



فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۲	درس هشتم: هم‌زیستی با مام میهن	۹	بخش اول (معنی بیت‌ها و تثرها)
۵۶	شعرخوانی: دوران‌دیشی	۱۱	ستایش: به نام خداوند جان و خرد
۵۹	فصل چهارم: نام‌ها و یادها	۱۳	فصل اول: زیبایی آفرینش
۶۰	درس نهم: راز موفقیت	۱۴	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
۶۳	درس دهم: آرشی دیگر	۱۸	حکایت: سفر
۶۸	حکایت: نیک رایان	۱۹	درس دوم: عجایب صنع حق تعالی
۶۹	درس یازدهم: زنِ پارسا	۲۴	شعرخوانی: پرواز
۷۳	روان‌خوانی: دروازه‌ای به آسمان	۲۷	فصل دوم: شکفتن
۷۷	فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی	۲۸	درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی
۷۸	درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت	۳۱	حکایت: باغبان نیک‌اندیش
۸۲	حکایت: سیرت سلمان	۳۳	درس چهارم: هم‌نشین
۸۳	درس سیزدهم: آشنای غریبان	۳۷	روان‌خوانی: دریچه‌های شکوفایی
۸۵	میلاذ گل	۳۹	فصل آزاد: ادبیات بومی ۱
۸۷	درس چهاردهم: پیدای پنهان	۴۰	درس پنجم: آزاد
۸۹	شعرخوانی: بوذ قدر تو افزون از ملایک	۴۱	فصل سوم: سبک زندگی
۹۱	فصل آزاد: ادبیات بومی ۲	۴۲	درس ششم: آداب زندگانی
۹۲	درس پانزدهم: آزاد	۴۶	حکایت: شو خطر کن
۹۳	فصل ششم: ادبیات جهان	۴۸	درس هفتم: پرتو امید
۹۴	درس شانزدهم: آرزو		

صفحه	عنوان
۱۶۰	پاسخ تشریحی تمرین‌های فعل‌های مضارع.....
۱۶۱	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای انواع فعل‌های مضارع.....
۱۶۳	درس هفتم: تخلص.....
۱۶۵	تمرین‌های مربوط به تخلص.....
۱۶۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تخلص.....
۱۶۸	پاسخ تشریحی تمرین‌های تخلص.....
۱۶۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تخلص.....
۱۷۰	درس هشتم: تضاد.....
۱۷۱	تمرین‌های مربوط به تضاد.....
۱۷۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تضاد.....
۱۷۵	پاسخ تشریحی تمرین‌های تضاد.....
۱۷۶	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تضاد.....
۱۷۷	درس نهم: گروه فعلی (۲) [ماضی (گذشته)].....
۱۷۹	تمرین‌های مربوط به ماضی ساده و ماضی نقلی.....
۱۸۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی ساده و ماضی نقلی.....
۱۸۲	پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی ساده و ماضی نقلی.....
۱۸۳	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی ساده و ماضی نقلی.....
۱۸۴	درس دهم: تلمیح.....
۱۸۵	تمرین‌های مربوط به آرایه تلمیح.....
۱۸۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای تلمیح.....
۱۸۸	پاسخ تشریحی تمرین‌های تلمیح.....
۱۸۹	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای تلمیح.....
۱۹۱	درس یازدهم: گروه فعلی (۳) [ماضی (گذشته)].....
۱۹۲	تمرین‌های مربوط به ماضی استمراری و ماضی مستمر.....
۱۹۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی استمراری و ماضی مستمر.....
۱۹۵	پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی استمراری و ماضی مستمر.....
	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی استمراری و ماضی
۱۹۶	مستمر.....

صفحه	عنوان
۹۷	درس هفدهم: شازده کوچولو.....
۱۰۰	روان‌خوانی: دو نقاش.....
۱۰۱	نیایش: بیا تا برآریم دستی ز دل.....
بخش دوم (بررسی و توضیح دانش‌های زبانی و ادبی)	
۱۰۵	
۱۰۶	درس اول: آرایه‌های ادبی.....
۱۱۱	تمرین‌های مربوط به آرایه‌های ادبی.....
۱۱۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه‌های ادبی.....
۱۱۶	پاسخ تشریحی تمرین‌های آرایه‌های ادبی.....
۱۱۷	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه‌های ادبی.....
۱۲۰	درس دوم: وابسته‌های گروه اسمی (۱).....
۱۲۶	تمرین‌های مربوط به گروه اسمی و وابسته‌ها.....
۱۲۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای وابسته‌های گروه اسمی.....
۱۳۳	پاسخ تشریحی تمرین‌های وابسته‌های گروه اسمی.....
۱۳۵	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای وابسته‌های گروه اسمی.....
۱۳۸	درس سوم: پرسشی انکاری.....
۱۴۰	تمرین‌های مربوط به پرسشی انکاری.....
۱۴۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای پرسشی انکاری.....
۱۴۳	پاسخ تشریحی تمرین‌های پرسشی انکاری.....
۱۴۴	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای پرسشی انکاری.....
۱۴۶	درس چهارم: صفت از لحاظ سنجش و مقایسه.....
۱۴۸	تمرین‌های مربوط به صفت سنجشی.....
۱۴۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت سنجشی.....
۱۵۱	پاسخ تشریحی تمرین‌های صفت سنجشی.....
۱۵۲	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای صفت سنجشی.....
۱۵۳	درس ششم: گروه فعلی (۱) مضارع (زمان حال).....
۱۵۶	تمرین‌های مربوط به فعل‌های مضارع.....
۱۵۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای انواع فعل‌های مضارع.....

عنوان**صفحه****عنوان****صفحه**

۲۴۸.....	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است.....	۱۹۷.....	درس دوازدهم: گروه فعلی (۴) [ماضی گذشته].....
۲۵۵.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول.....	۱۹۹.....	تمرین‌های مربوط به ماضی بعید و ماضی التزامی.....
۲۵۹.....	درس دوم: عجایب صنع حق تعالی.....	۲۰۱.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی بعید و ماضی التزامی.....
۲۶۵.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم.....	۲۰۳.....	پاسخ تشریحی تمرین‌های ماضی بعید و ماضی التزامی.....
۲۶۸.....	درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی.....	۲۰۴.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ماضی بعید و ماضی التزامی.....
۲۷۴.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم.....	۲۰۵.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل‌های ماضی، مضارع و آینده.....
۲۷۷.....	درس چهارم: هم‌نشین.....	۲۰۷.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای فعل‌های ماضی، مضارع و آینده.....
۲۸۴.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم.....	۲۰۸.....	درس سیزدهم: ردیف.....
۲۸۸.....	درس ششم: آداب زندگانی.....	۲۱۰.....	تمرین‌های مربوط به ردیف.....
۲۹۳.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم.....	۲۱۲.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف.....
۲۹۶.....	درس هفتم: پرتو امید.....	۲۱۵.....	پاسخ تشریحی تمرین‌های ردیف.....
۳۰۳.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم.....	۲۱۶.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ردیف.....
۳۰۶.....	درس هشتم: هم‌زیستی با مام میهن.....	۲۱۷.....	درس چهاردهم: قید.....
۳۱۲.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم.....	۲۲۰.....	تمرین‌های مربوط به قید و انواع قید از لحاظ معنی.....
۳۱۵.....	درس نهم: راز موفقیت.....	۲۲۱.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای نقش دستوری قید.....
۳۲۰.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم.....	۲۲۳.....	پاسخ تشریحی تمرین‌های قید و انواع قید.....
۳۲۳.....	درس دهم: آرشى دیگر.....	۲۲۴.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای نقش دستوری قیدی.....
۳۲۷.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم.....	۲۲۵.....	درس شانزدهم: واژه‌سازی.....
۳۲۹.....	درس یازدهم: زنِ پارسا.....	۲۳۰.....	تمرین‌های مربوط به واژه‌های ساده، وندی و مرکب.....
۳۳۵.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم.....	۲۳۲.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای ساده، وندی و مرکب.....
۳۳۸.....	درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت.....	۲۳۶.....	پاسخ تشریحی تمرین‌های واژه‌های ساده، وندی و مرکب.....
۳۴۳.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم.....	۲۳۸.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای واژه‌های ساده، وندی و مرکب.....
۳۴۵.....	درس سیزدهم: آشنای غربیان، میلاد گل.....		
۳۴۸.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم.....		
۳۵۰.....	درس چهاردهم: پیدای پنهان.....		
۳۵۴.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم.....		
			بخش سوم (پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس)
		۲۴۱	
		۲۴۲.....	درس: ستایش.....
		۲۴۶.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ستایش.....

عنوان

صفحه

درس شانزدهم: آرزو.....	۳۵۶
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم.....	۳۶۰
درس هفدهم: شازده کوچولو.....	۳۶۲
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم.....	۳۶۷
بخش چهارم (آزمون‌های جامع تیزهوشان) ۳۶۹	
آزمون جامع (۱).....	۳۷۰
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۱).....	۳۷۲
آزمون جامع (۲).....	۳۷۳
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۲).....	۳۷۵
آزمون جامع (۳).....	۳۷۶
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۳).....	۳۷۹
آزمون جامع (۴).....	۳۸۰
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۴).....	۳۸۳
آزمون جامع (۵).....	۳۸۴
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۵).....	۳۸۶
آزمون جامع (۶).....	۳۸۷

عنوان..... صفحه

پاسخ تشریحی آزمون جامع (۶).....	۳۹۰
آزمون جامع (۷).....	۳۹۲
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۷).....	۳۹۵
آزمون جامع (۸).....	۳۹۷
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۸).....	۳۹۹
آزمون جامع (۹).....	۴۰۰
پاسخ تشریحی آزمون جامع (۹).....	۴۰۳
آزمون جامع (۱۰).....	۴۰۴
پاسخ تشریحی آزمون (۱۰).....	۴۰۷
آزمون جامع (۱۱).....	۴۰۹
پاسخ تشریحی آزمون (۱۱).....	۴۱۲
آزمون جامع (۱۲).....	۴۱۴
پاسخ تشریحی آزمون (۱۲).....	۴۱۷
آزمون جامع (۱۳).....	۴۲۰
پاسخ تشریحی آزمون (۱۳).....	۴۲۲
آزمون جامع (۱۴).....	۴۲۴
پاسخ تشریحی آزمون (۱۴).....	۴۲۶

به نام خدا

«به عنایت، نظری کن که من دل شده را نرود بی مددِ لطفِ تو، کاری از پیش»

خداوند بزرگ را سپاسگزارم که همواره، بنده را مورد لطف و عنایت خویش قرار می‌دهد تا بتوانم خدمتگزار فرهنگیان و دانش‌آموزانِ گرانقدرِ سرزمینم باشم.

کتاب فارسی نهم را بی‌شک، با نگاه و نگرش جدیدتری نسبت به کتاب‌های دیگر متوسطهٔ دورهٔ اول، نوشته‌ام. بیت‌های بسیاری را از شاعران کهن و معاصر انتخاب نموده‌ام تا دانش‌آموزان عزیزم، دگرگونی ادبیات کهن، شکل‌گیری ادبیات معاصر و تفاوت بین آن‌ها را بهتر درک کنند.

ساختار کتاب، همانند فارسی هفتم و هشتم است:

۱- بخش اول: مربوط می‌شود به شرح و بررسی لغت‌ها، شعرها و نثرهای دشوار، به ترتیب درس‌ها؛
۲- بخش دوم: اختصاص دارد به بررسی تمام دانش‌های زبانی و ادبی، همراه با تمرین‌ها و پرسش‌های چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی؛

۳- بخش سوم: طراحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس به درس، به صورت دستور، لغت، مفهوم، آرایه‌های ادبی و ... همراه با پاسخ تشریحی.

پرسش‌های تشریحی و چهارگزینه‌ای، کاملاً با محتوای کتاب، در ارتباط هستند و دانش‌آموز به آسانی می‌تواند، خودش را مورد سنجش قرار بدهد.

۴- بخش چهارم: آزمون‌های جامع تیزهوشان، همراه با پاسخ تشریحی است.
در پایان، قدردان لطف و محبت دوستان و همکارانی هستم که با لطف و یاریشان، این کتاب به چاپ رسیده است؛ از آن جمله:

استاد گرامی، آقای دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی که بخش‌های اول و دوم این کتاب را ویراستاری علمی کرده‌اند؛ خانم‌ها آزاده و آویشن امیدمهر که ویرایش کتاب را انجام داده‌اند. همکاران خوبم آقایان جواد باحشمت جویباری، کاظم کاظمی، سرکار خانم همتا سپهری ایرایی و آقای علی سلاجقه دانش‌آموز کوشای علامه حلی شهر کرمان که بخش‌های اول، دوم، سوم و چهارم را ویراستاری علمی کرده‌اند.

همچنین از آقای میرحمید خاتمی (مدیر فروش)، آقای خدایار مبین، خانم نسیم مرادی (مدیر تولید)، خانم عاطفه‌سادات موسوی که حروف‌چینی کتاب را برعهده داشته‌اند، خانم رضیه صفریان (طراح)، خانم مینا هرمزی (طراح جلد)، و خانم رؤیا صدر، سپاسگزارم.

همواره، منتظر پیشنهادهای شما عزیزان هستم. لطفاً پیشنهادهای خودتان را به نشانی انتشارات مبتکران به نام مؤلف کتاب، ارسال فرمایید.

پاینده باتشید!

حمید طالب‌تبار

بخش اوّل

بررسی و شرح معنی بیت ها و نثرها به ترتیب درس ها

ستایش

مَلِکَا، ذَکَر تو گویم که تو پاکِی و خدایی نروم جز به همان ره که توام، راه‌نمایی
معنی: پروردگارا، همیشه به یاد تو سخن می‌گویم؛ زیرا تو پاک و منزّه هستی. در زندگی، شیوه‌ای را در پیش می‌گیرم که تو آن را به من نشان بدهی و
 بیاموزی.
آرایه‌ها: ملک ← استعاره از خدا / مصراع اول به آیه «الحمد لله رب العالمین» و مصراع دوم به آیه «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت
 علیهم» تلمیح دارد.
نکته دستوری: بیت از شش جمله تشکیل شده است. «الف» در ملکا، حرفِ ندا و مَلک، منادا است.

توجه

مصراع دوم این بیت، به دو صورت خوانده می‌شود.
 الف) توام راه‌نمایی: تو راه‌نمای من هستی (در این صورت، مکث و درنگ بعد از «نما» قرار می‌گیرد).
 ب) توام راه‌نمایی: تو راه را به من نمایی (در این صورت، مکث و درنگ بعد از «راه» قرار می‌گیرد).
 اجزای جمله در عبارت «الف» چنین است: تو راه‌نما [ی] من (= ام) بی (= هستی)
 نهاد مسند مضاف‌الیه فعل
 اجزای جمله در عبارت «ب» چنین است: تو راه [را] [به] من (= ام) نمایی
 نهاد مفعول متمم فعل

تاریخ ادبیات

سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدود بن آدم (ولادت: اواسط یا اوایل نیمه دوم قرن پنجم، وفات: بین ۵۲۵ و ۵۴۵ ه.ق) شاعر و عارف
 معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مداح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوست‌دار آل علی (ع)
 بود. از آثار او می‌توان به «حدیقة الحقیقه» اشاره کرد.

ستایش

«به نام خداوند جان و خرد»

شاعر: حکیم ابوالقاسم فردوسی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



جان: روح	مهر: خورشید
برنگذرد: به ذهن نمی‌آید	بینندگان: دو چشم (بیننده: چشم)
نام: در این جا به معنی کلمه‌ای که برای نامیدن	نیز: در این جا به معنی هرگز
انسان یا چیزی به کار می‌رود.	جایگاه: مکان
جای: مکان	ستودن: ستایش کردن
رهنما: هدایت کننده، راهنمایی کننده	میان بستن: کنایه از آماده بودن برای کاری
گردان سپهر: آسمان گردنده	بُرنا: جوان
فروزنده: روشنی‌دهنده، تابان	

این درس، مانند تمام درس‌های آغازین کتاب‌های فارسی، مناجات (تحمیدیه) است. راز و نیاز با خداوندی که آرامش‌بخش دل‌ها و کارگشای همه مشکلات بندگانش است. فردوسی در این شعر به عظمت و بزرگی خداوند اشاره می‌کند و می‌گوید که خداوند با چشم‌های مادی قابل دیدن نیست و انسان نمی‌تواند عظمت خداوند را سپاس بگوید. در نتیجه خداوند فقط قابل ستایش و بندگی است.

محتوای درس

معنی بیت

بیت ۱ به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

معنی: سخن را به نام خدایی که خالق جان و خرد است، آغاز می‌کنم، زیرا خداوند از همه اندیشه‌ها و خردها، برتر و بالاتر است. (فکر ما بیش‌تر از این نمی‌تواند، عظمت و حقیقت خداوند را درک کند.)

آرایه: اندیشه و خرد ← مراعات نظیر

نکته دستوری: در مصراع اول، فعل «آغاز می‌کنم» به قرینه معنوی حذف شده است. / اندیشه ← وندی (اندیش + ه)

اگر واژه‌ای از یک جزء معنی‌دار و از یک یا چند وند (= پیشوند یا پسوند) ساخته شود، به آن، وندی می‌گویند. برای آشنایی با ساختمان وندی، مرکب و وندی - مرکب به بخش دوم همین کتاب، درس ۱۶ مراجعه کنید.

بیت ۲ خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

معنی: پروردگاری که همه پدیده‌ها و همه مکان‌ها را به وجود آورده است و به آن‌ها روزی داده و به راه راست، هدایت کرده است.

آرایه: تکرار «خ» و «ن» ← واج‌آرایی

نکته دستوری: رهنمای ← صفت مرکب (صفت فاعلی مرکب مرخم)

خداوند کیوان و گگردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهـر

بیت ۳

معنی: پروردگاری که کیوان و آسمان گردنده را آفرید و به ماه و ناهید (به ماه و ستارگان) و خورشید، روشنایی بخشید.

نکته

در گذشته، مردم اعتقاد داشتند که زمین ثابت است و آسمان، ستارگان و خورشید، دور زمین می‌گردند.

آرایه: کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مهر ← مراعات‌نظیر

– کیوان: نام دیگر آن «زُخُل» است و ششمین سیاره منظومه شمسی به نسبت فاصله از خورشید. کیوان در قدیم به معنی «آسمان» به کار می‌رفت.
نکته دستوری: گردان سپهر ← ترکیب وصفی مقلوب (سپهر گردان) / فروزنده ← صفت وندی (فروز + نده)، در این جا جانشین اسم شده است.

بسه بینندگان، آفریننده را بیننی، مرچمان دو بیننده را

بیت ۴

معنی: به وسیله چشم‌ها، نمی‌توانی خداوند را ببینی، بنابراین چشمانت (وجودت) را برای این کار بیهوده آزار نده.

نکته دستوری: بینندگان، آفریننده و بیننده ← وندی / دو بیننده ← ترکیب وصفی (دو ← صفت شمارشی / بیننده ← هسته)
مفهوم: خداوند را نمی‌توان با حواس مادی دید و درک کرد.

نیابید بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

بیت ۵

معنی: اندیشه و خرد انسان هرگز نمی‌تواند خداوند را درک کند چون که خداوند، مادی نیست و از همه پدیده‌ها و مکان‌های مادی، بالاتر و برتر است.

آرایه: راه نیافتن اندیشه ← کنایه از درک نکردن اندیشه و خرد

مفهوم: انسان‌ها نمی‌توانند عظمت خداوند را درک کنند.

ستودن نداند کس او را چو هست میان، بندی را بیایدت بست

بیت ۶

معنی: هیچ کسی نمی‌تواند خدا را آن‌چنان که شایسته است، ستایش کند، بنابراین باید کمر خدمت را بندی و خداوند را بندی و اطاعت کنی.

آرایه‌ها: هست و بست ← جناس / مصراع دوم، تکرار «ب» ← واج‌آرایی / میان بندی بستن ← کنایه از آماده بندی شدن

توانا بود هرکه داننا بود ز دانش، دل پییر، برنا بود

بیت ۷

معنی: هرکسی که از دانایی (آگاهی) برخوردار باشد، بسیار توانمند و قدرتمند است. علم، سبب می‌شود که انسان‌های پیر، در دلشان، احساس نشاط و شادابی کنند.

آرایه: برنا و پیر ← تضاد / این بیت ضرب‌المثل است.

تاریخ ادبیات

فردوسی: در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوس ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه، رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، به سال ۴۱۱ هـ. ق درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.

دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را نیست گوش‌ی که همی نشنود آوای تو را

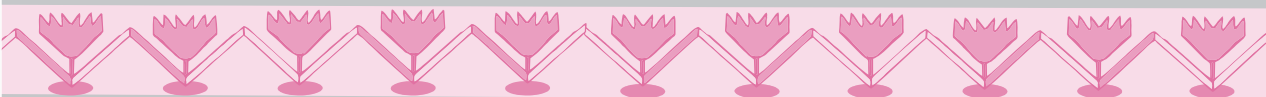
معنی: چشمی وجود ندارد که چهرهٔ زیبای تو را نبیند و هیچ گوش‌ی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.

مفهوم کنی: آثار و نشانه‌های تو قابلِ درک و شناخت هستند.

شاعر: امام خمینی (ره)

فصل اوّل

زیبایی آفرینش



درس اول

«آفرینش همه تنبیه خداوند دل است»

شعر از: سعدی

قالب شعر: قصیده

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



جهالت: نادانی	بامداد: صبح زود
حیف: افسوس، دریغ	لیل: شب
الوان: در این‌جا به معنی رنگارنگ	نهار: روز
صدبرگ: نوعی گل سُرخ با گلبرگ‌های پُرپر و زیاد	تماشا: نگاه کردن به چیزی به قصد تفریح
حیران: سرگردان	آفرینش: آفریده‌های جهان
عَبّ: انگور	تنبیه: هوشیار کردن، آگاه کردن
حُقه: ظرفی کوچک، که در آن، جواهر نگه‌داری شود.	خداوند دل: صاحب دل، انسان عارف
یاقوت: سنگ قیمتی به رنگ‌های سرخ، زرد و کیود	دل (دل ندارد): احساس و عاطفه
تقدیر: سرنوشت، فرمان خدا	اقرار: اعتراف
مُسَخَّر: رام و مطیع	عجب: عجیب
کَرَم: بخشش	وجود: هستی
بار: آفریننده، خالق، نیکوکار	فکرت: فکر و اندیشه
إنعام: بخشش، نعمت دادن	تسییح: نیایش کردن، خدا را به پاکی یاد کردن
راست روان: انسان‌های درستکار	مُسْتَمِع: شنونده
گوی: توپ کوچک	اسرار: جمع سِرّ، رازها
کج‌رفتار: کسی که رفتاری نادرست دارد.	مرغان: پرندگان
	خُفته: غافل و بی‌خبر

بهتر یاد بگیریم

الوان (alvān): جمع کون به معنی رنگ‌ها.

گاهی واژه‌الوان به صورت صفت به کار می‌رود و به معنی «رنگارنگ» است؛ مانند مصراع «که تواند که دهد میوه‌الوان از چوب؟»
 إنعام: نعمت دادن، بخشش / أنعام (= جمع نَعَم): چهارپایان، معمولاً در معنای مفرد به کار می‌رود.

محتوای شعر

شعر «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است» از بخش مواعظ (= جمع موعظه، به معنی پندها و اندرزها) سعدی انتخاب شده. اصل شعر، دارای ۴۳ بیت و با نام «وصف بهار» سروده شده است. این شعر با آوردن آیات و نوشته‌های خداوند بزرگ و نیاز انسان به پروردگار، همراه است. در این سروده زیبا، سعدی پدیده‌های هستی را در حال نیایش و ستایش پروردگار یافته است و به این نکته اشاره دارد که با نگاه جستجوگرانه به پدیده‌های آفرینش، می‌توان به شناخت خداوند دست یافت.

معنی بیت

بیت ۱ بامدادی که تفاوت نکنند لیل و نهار / خوش بُود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی: در صبح زودِ اوّل بهار که طول شب و روز آن یکسان است، رفتن به صحرا و تماشا کردن گل‌های زیبای بهاری، لذّت‌بخش است.

آرایه‌ها: لیل و نهار ← تضاد / بهار و نهار ← جناس

نکته دستوری: لیل و نهار ← نهاد / خوش ← مسند

توجه

تفاوت نکردن لیل و نهار، اشاره به مساوی بودن طول شب و روز در سال دارد که دوبار اتفاق می‌افتد:
۱- ابتدای بهار ۲- ابتدای پاییز.

بیت ۲

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: تمام پدیده‌های آفرینش برای آگاه کردن انسان‌های عارف است و اگر کسی وجود خدا را انکار کند و به خدا ایمان نیاورد، ذوق و احساسی ندارد.

آرایه‌ها: واج‌آرایی ← «د» / که و به ← جناس / دل ← مجازاً احساس و عاطفه

نکته دستوری: آفرینش (آفرین + ش) ← وندی / که در مصراع دوم به معنی کسی که، ضمیر مبهم است و نقش نهادی دارد. / همه ← بدل

بیت ۳

این همه نقشِ عجب بر در و دیوارِ وجود / هرکه فکرت نکنند، نقشِ بُود بر دیوار

معنی: هرکسی که با این همه نقش‌ها و پدیده‌های عجیبِ هستی به آفریننده آن‌ها نیندیشد، همانند عکس و تصویر روی دیوار، بی‌احساس و بی‌روح است.

آرایه‌ها: در و دیوار ← مراعات‌نظیر / دیوار وجود ← اضافه تشبیهی / بر و در ← جناس / نقش بر دیوار بودن ← کنایه از بی‌روح بودن

توجه

«ت» در فکرت، ضمیر نیست! بلکه مربوط به خود کلمه «فکرت» است.

بیت ۴

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند / نه همه مُستمعی فهم کند این اسرار

معنی: کوه، دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده‌ای این راز را درک نمی‌کند.

آرایه‌ها: کوه و دریا و درختان: مراعات‌نظیر / بیت تلمیح دارد به آیه ۴۴ سوره اسراء: *إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا*. / در تسبیح بودن کوه و دریا و درختان ← تشخیص

معنی: چیزی در جهان نیست مگر آن که خدا را تسبیح می‌کند و به پاکی می‌ستاید، لیکن شما تسبیح آن را نمی‌فهمید. به درستی که خدا صبور و

آمرزنده است.

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

بیت ۵

معنی: آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می‌گویند: ای انسان غافل، از بی‌خبری و نادانی، رها شو.

آرایه‌ها: گفتن به مرغان سحر نسبت داده شده ← تشخیص/ خواب، سحر و خفته ← مراعات‌نظیر / سر و سحر ← جناس / خفته ← کنایه

از غافل / خواب جهالت ← اضافه تشبیهی / سر از خواب برداشتن ← کنایه از آگاهی و بیداری

نکته دستوری: «ت» در خبر، متمم است: خبر برای تو هست (تو ← متمم) / خفته ← صفت جانشین اسم: ای [انسان] خفته.

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

بیت ۶

معنی: تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و نادانی به سر ببری. حیف است که تو بی‌خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

آرایه‌ها: بنفشه و نرگس ← مراعات‌نظیر / چو بنفشه ← تشبیه / در و سر ← جناس / بنفشه در این بیت، نماد غفلت و سرافکنندگی / نرگس،

نماد بینایی و آگاهی است / سر غفلت در پیش گرفتن ← کنایه / خواب و بیدار ← تضاد / بیدار بودن نرگس ← تشخیص

نکته دستوری: «حیف» نقش مسندی دارد. / «ی» در خوابی، به معنی «هستی»، فعل اسنادی است.

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

بیت ۷

معنی: تنها خداوند بزرگ است که می‌تواند از چوب درخت، میوه‌های رنگارنگ و از خار، گل‌های سرخ زیبا، پدید آورد.

آرایه‌ها: چوب ← مجازاً درخت / گل و خار ← تضاد / گل، برگ و خار ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: هر دو مصراع، استفهام انکاری است. / صدبرگ ← صفت مرکب

عقل، حیران شود از خوشه زرّینی عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

بیت ۸

معنی: عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر است و فهم از درک زیبایی و ظرافت‌های دانه‌های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند، می‌درخشد، ناتوان است.

آرایه‌ها: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم ← تشخیص / عنب و انار ← مراعات‌نظیر / حقه یاقوت انار ← اضافه تشبیهی

(انار به کیسه‌ای پر از یاقوت تشبیه شده است.)

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید، مُسخر کند و لیل و نهار

بیت ۹

معنی: خداوند پاک و بی‌عیب با فرمان خود، تمام پدیده‌ها و موجودات را (ماه، خورشید و شب و روز را) مطیع خود کرده است.

آرایه‌ها: لیل و نهار ← تضاد / ماه و خورشید ← مراعات‌نظیر / بیت، تلمیح به آیات قرآن دارد.

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

بیت ۱۰

معنی: اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، بازهم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند، گفته نمی‌شود.

نکته دستوری: «تا» حرف اضافه است و قیامت، متمم / همه، نقش نهادی دارد.

آرایه: یک و هزار ← تضاد

بیت ۱۱

نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکرِ انعام تو هرگز نکند شکرگزار

معنی: پروردگارا، نعمت‌های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکرگزاری نمی‌تواند، شکر نعمت‌های بی‌کران تو را به جای آورد.

آرایه‌ها: نعمت، شکر، انعام و شکرگزار ← مراعات‌نظیر / ز عدد بیرون بودن ← کنایه از بی‌شمار بودن

نکته دستوری: «ت» در نعمتت ← مضاف‌الیه / هرگز ← قید نفی

بیت ۱۲

سعدیا، راست روان، گوی سعادت بُردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

معنی: ای سعدی، انسان‌های درست‌کردار، به سعادت و خوش‌بختی می‌رسند؛ بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان بد رفتار به هدف و مقصودش نمی‌رسد.

آرایه‌ها: راست روان و کج رفتار ← تضاد / گوی سعادت ← اضافه تشبیهی / گوی بُردند ← کنایه از دست یافتن و سبقت گرفتن / به منزل نرسد ← کنایه از به نتیجه و هدف نرسد.

نکته دستوری: سعدی ← منادا و «ا» ← حرف ندا / راست روان ← وندی - مرکب / کج رفتار ← وندی - مرکب و صفت جانشین اسم (انسان کج رفتار)

«کلیات سعدی، بخش قصاید»

واژه‌های مهم املائی

تفاوت - لیل و نهار - صحرا - تنبیه - اقرار - نقش عجب - فکرت - تسبیح‌اند - مُستمعی - اسرار - مرغان سحر - خفته - جهالت - غفلت - حیف - میوه‌الوان - صدبرگ - حیران - خوشه زرّین - عنب - عاجز - حقه یاقوت - تقدیر عزیز - مسخر - انعام - شکرگزار - گوی سعادت

تاریخ ادبیات

سعدی: مُشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰ - ۶۰۶ ه. ق) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این‌ها قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده‌اند.

حکایت

سفر

نوع نثر: ساده و روان
از: کتاب اسرار التّوحید محمدبن منور

معنی واژه ها به ترتیب سطرها

پیر: شیخ، مرشد، راهنما	معرفت: شناخت چیزی
آسیاب: دستگاهی که غلات را آرد می‌کند.	مشغول: سرگرم. مشغول آنم: در حال پرداختن آن هستم.
ساعتی: یک ساعت، مدّتی	پیوسته: همیشه
درنگ: توقّف، صبر، مکث	گرد خویش گشتن: با خود اندیشیدن. به کار خود توجّه کردن

این حکایت که از زبان ابوسعید ابی‌الخیر نقل شده است، تأکید بر خویشتن شناسی دارد و می‌گوید شناخت واقعی، همان شناخت خود (خودشناسی) می‌باشد.

محتوای حکایت

معنی نثر

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. سر اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ سپس به همراهان گفت: «می‌دانی که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم (من مشغول آنم). گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هرچه نباید از خود دور گردانم!»

معنی: یک روز، شیخ و راهنمای ما ابوسعید ابی‌الخیر، با گروهی از همراهانش به در آسیابی رسید. اسبش را نگه داشت و توقّف کرد و مدّتی، صبر کرد. سپس به همراهانش گفت: می‌دانید که این آسیاب چه چیزی را به ما می‌گوید؟ می‌گوید: شناخت واقعی همین است که من در حال پرداختن و انجام دادن آن هستم. به هنگام گشتن، با خود اندیشه می‌کنم و به کارهای خود توجّه می‌کنم و آن چیزهایی را که شایسته نیستند انجام نمی‌دهم و از خودم دور می‌سازم.

تاریخ ادبیات

اسرار التّوحید فی مقامات ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمدبن منور (یکی از نوادگان ابوسعید) آن را در قرن ششم نگاشته است.

درس دوم

«عجایب صنع حق تعالی»

نوع نثر: ساده و روان
از: کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی

معنی واژه ها به ترتیب سطرها



بدان: آگاه باش	بلکه: علاوه بر این، اضافه بر این
صنع: آفرینش، احسان	مرغان هوا: پرندگان آسمان
تعالی: بلند مرتبه	نیکوتر: زیباتر، خوبتر
نهرها: جوی‌ها، رودخانه‌ها	چون: چگونه
جواهر: جمع جوهر، گوهرها، سنگ‌های قیمتی	آشیان: لانه
نباتات: جمع نبات، گیاهان	نقش: نقاشی
برّ: خشکی	کنده کرده باشند: کنده کاری (گچ‌بری) کرده باشند.
بحر: دریا	صفت: وصف کردن
میغ: ابر	قندیل: مشعلی که از سقف آویزان کنند؛ چراغ آویز، چراغدان
رعد: صدای ابرها	مختصر: کم و کوتاه، ناچیز
قوس قزح: رنگین کمان	مَثَل: وصف حال، داستان، به عنوان مثال
علامات: جمع علامت، نشانه‌ها	مَلِک: پادشاه
عجایب: جمع عجیبه، شگفتی‌ها	جمال: زیبایی
آیات: جمع آیه، نشانه‌ها	صورت: ظاهر
اندر: در	سَریر: تخت، اورنگ
بساط: فرش، گسترده	مُلک: پادشاهی، مملکت
جوانب: جمع جانب، اطراف، کناره‌ها	قناعت: خرسند بودن به مقدار کم، خشنود بودن
فراخ: گشاد، وسیع، گسترده	بُستان: بوستان، گلزار
سخت: محکم	مدهوش: سرگشته، سرگردان
لطیف: خوش‌گوار، گوارا	متحیر: حیران، سرگردان
دیبا: پارچه ابریشمی رنگین	

بهر یاد بگیریم

کاربرد واژه «چون»:

- ۱- گاهی چون به معنی «از قبیل» و حرف اضافه است؛ مانند:
چون کوه و بیابان و نهرها و ... (در این عبارت، تشبیه وجود ندارد و «چون» ادات تشبیه نمی‌باشد).
- ۲- چون به معنی «چگونه» و نقش قید پرسشی دارد؛ مانند:
غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگه دارد.
- ۳- چون به معنی «مثل» و «مانند» که در دستور به آن حرف اضافه و در آرایه به آن ادات تشبیه می‌گویند؛ مانند:
مثل تو چون مورچه‌ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد.

این درس که از کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی انتخاب شده است، بر شناخت خداوند و شناخت دنیا، تأکید شده است.

غزالی می‌گوید: اگر عظمت و بزرگی دنیا و پدیده‌هایی را که در آن آفریده شده‌اند، درک کنی و در طبیعت با اندیشه گشت و گذار کنی پی می‌بری که برای همه این‌ها، خدایی لازم است چون که بدون خداوند بزرگ، انسجام این دنیای بیکران غیرممکن است. در آخر به همه انسان‌ها توصیه می‌کند که در این دریا و بوستان بیکران معرفت (دنیا) با عقل و اندیشه، تفکر کنند تا به بزرگی خداوند راه یابند در غیر این صورت در همان حد و اندازه جسم مادی خود و دنیای مادی باقی می‌مانند و از حقیقت، دور می‌شوند.

محتوای درس

معنی نثر

بدان که هرچه در وجود است، همه صنع خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین آنچه بر وی است، چون کوه و بیابان و نهرها و آنچه در کوه‌هاست از جواهر و معادن و آنچه بر روی زمین است از انواع نباتات و آنچه در بر و بحر است از انواع حیوانات و آنچه میان آسمان و زمین است چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس قزح و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایب صنع حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس اندر این آیات تفکر کن.

معنی: آگاه باش که هرچه در جهان هستی وجود دارد، همه را خداوند بلندمرتبه، آفریده است. آسمان، آفتاب، ماه، ستارگان و زمین، آنچه بر روی زمین است مانند کوه، بیابان و رودخانه‌ها و آنچه در کوه‌هاست از سنگ‌های قیمتی و معدن‌ها و آنچه که بر روی زمین وجود دارد، از گیاهان گوناگون و آنچه که در خشکی و دریا وجود دارد از انواع حیوانات و آنچه که در میان آسمان و زمین است، مانند ابر، باران، برف، تگرگ، رعد، برق، رنگین‌کمان و نشانه‌هایی که در هوا آشکار می‌شود، همه، شگفتی‌های آفرینش خداوند بلندمرتبه است و این‌ها، نشانه‌هایی از خداوند بلندمرتبه است که به تو فرمان داده است که در آن‌ها نگاه کنی. پس در این نشانه‌های خداوند، فکر و اندیشه کن.

آرایه‌ها: آفتاب، ماه و ستارگان ← مراعات نظیر / زمین، کوه و بیابان ← مراعات نظیر / جواهر و معادن ← مراعات نظیر / میغ، باران، تگرگ و قوس قزح ← مراعات نظیر (در قسمت آغازین درس، چون چند مجموعه مراعات نظیر با هم به کار رفته است، شبکه معنایی به وجود آمده است.) / آسمان و زمین ← تضاد / بر و بحر ← تضاد / این عبارت، تلمیح دارد به آیه‌های ۶ تا ۱۱ سوره «ق»:

أفلم ينظروا ألى السماء فوقهم كيفَ بنيناها و زيناها و مالها من فُروج^(۶) و الارضَ مددناها و القيناَ فيها رواسى و انبتنا فيها من كل زوج بهيج^(۷) تبصرة و ذكرى لكل عبدٍ ...

ترجمه: آیا منکران حق، آسمان را فراز خود نمی‌نگرند که ما چگونه بنای آن را محکم اساس نهادیم و آن را به زیور ستارگان درخشان آراستیم که هیچ خلیلی در آن راه ندارد (۶) و زمین را نمی‌نگرند که آن را بگسترده‌ایم و در آن کوه‌های استوار بیفکنیم و هر نوع گیاه با حسن و طراوت را در آن، برویاندیم (۷) این دلایل قدرت در آسمان و زمین، موجب بصیرت و تذکر هر بنده است...

یادآوری: در این عبارت، تشبیه وجود ندارد. (چون کوه و بیابان و ...) تشبیه نیست.

نکته دستوری: «وی» در «بر وی است»، ضمیر شخصی است که به زمین، برمی‌گردد. این کاربرد، قدیمی است و در گذشته برای غیر انسان هم از ضمیر شخصی استفاده می‌کردند.

☆ در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانبِ وی فراخ، گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف، روان کرده، تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید. در وقتِ بهار بنگر و تفکر کن که زمین، چگونه زنده شود و چون دیبای هفت‌رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.

معنی: به زمین نگاه کن که [خداوند] چگونه آن را مانند فرش برای تو ساخته و اطراف آن را وسیع، گسترده است و از زیر سنگ‌های محکم، آب‌های گوارا، جاری کرده است، که بر روی زمین، جاری می‌شود و اندک اندک از زیر زمین بیرون می‌آید و به هنگام بهار، نگاه کن زمین، چگونه زنده و شاداب می‌شود و مانند پارچه ابریشمی، رنگارنگ و زیبا می‌شود، بلکه هزار رنگ می‌شود.

آرایه‌ها: سنگ، آب، لطیف و روان ← مراعات‌نظیر / زمین چون (= مانند) دیبای هفت رنگ ← تشبیه / آسمان و زمین ← تضاد

نکته دستوری: چگونه ← قید / سخت، لطیف و هفت رنگ ← صفتِ پسین بیانی / هزار رنگ ← صفت مرکب که این‌جا نقش مُسندی دارد.

توجه

هفت و هزار در این عبارت، به تنهایی صفت پیشین نیستند بلکه در ساخت کلمه به کار رفته‌اند و واژه مرکب ساخته‌اند.

ویژگی‌نثرهای کهن در این عبارت، کاملاً آشکار است:

۱. کوتاهی جمله‌ها: در زمین نگاه کن / چگونه بساط تو ساخته است / جوانب وی فراخ گسترانیده
۲. فراوانی فعل‌ها: نگاه کن / ساخته است / گسترانیده / کرده / می‌رود / می‌آید و ...
۳. تکرار فعل‌ها و برخی کلمه‌ها: زمین / شود / کن / چگونه و ...

☆ نگاه کن مرغانِ هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یک‌دگر نیکوتر؛ هریکی را آنچه به کار باید، داد و هریکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگاه دارد تا بزرگ شود و آشیانِ خویش چون کند. در مورچه، نگاه کن که به وقت خویش، غذا چون جمع کند.

معنی: به پرندگان آسمان و حشره‌های روی زمین نگاه کن که هریک را با شکل و ظاهری متفاوت آفریده و هر کدام از دیگری بهتر و زیباتر است. آنچه که لازم بود به هریک (موجودات) داده و به هر کدام، یاد داده که چگونه غذا به دست بیاورد و بچه را نگه دارد تا بزرگ بشود و چگونه لانه خود را بسازد. به مورچه نگاه کن که چگونه در زمان مناسب، غذایش را جمع می‌کند.

آرایه: هوا (= آسمان) و زمین ← تضاد

نکته دستوری: هریکی و همه ← ضمیر مبهم / دیگر (دوبار تکرار شده) ← صفت مبهم / نیکوتر ← صفت تفضیلی / آنچه ← ضمیر اشاره / آنچه ← مفعول / هریکی ← متمم (آنچه را به هریکی ...) / چون (= چگونه) ← قید پرسشی

★ اگر در خانه‌ای شوی که به نقش و گچ، کَنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفت آن گویی و تعجب کنی و همیشه در خانه خدایی، هیچ تعجب نکنی! و این عالم، خانه خداست و فرش وی زمین است و لکن سقفی بی‌ستون و این عجب‌تر است و چراغ وی ماه است و شعله وی آفتاب، و قندیل‌های وی ستارگان و تو از عجایب این، غافل، که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر و در وی نمی‌گنجد.

آرایه: بزرگ و مختصر ← تضاد

معنی: اگر داخل خانه‌ای بروی که نقاشی و گچ‌بری کرده باشند، زمان زیادی، آن را وصف می‌کنی و از آن کار، تعجب می‌کنی در حالی که همیشه در خانه خدا (دنیا) هستی و اصلاً تعجب نمی‌کنی و این دنیا، خانه خداست و فرش آن، زمین است و سقف بی‌ستون آن، آسمان است که این، بسیار عجیب است و چراغ آن، ماه است و شعله آن، خورشید و چراغدان‌هایش ستارگان هستند و تو از شگفتی‌های این دنیا، بی‌خبری، زیرا دنیا بسیار بزرگ است و تو کوتاه‌نظری و زیبایی‌ها و بزرگی‌های آن را، درک نمی‌کنی.

آرایه‌ها: خانه خدا (همیشه در خانه خدایی) ← استعاره از دنیا / این عالم [مانند] خانه خدا ← تشبیه / زمین مانند فرش ← تشبیه / سقف ← استعاره از آسمان / ماه [مانند] چراغ ← تشبیه / آفتاب [مانند] شعله ← تشبیه / ستارگان [مانند] قندیل ← تشبیه / ماه، آفتاب و ستاره ← مراعات‌نظیر / مختصر بودن چشم و در وی ننگنجدن ← کنایه از کوتاه نظر بودن و درک نکردن / بزرگ و مختصر ← تضاد

نکته دستوری: شوی، به معنی «بروی»، فعل غیراسنادی / دراز ← صفت بیانی پسین / آن ← ضمیر اشاره (= صفت آن) / هیچ ← ضمیر پرسشی است و نقش قیدی دارد. / این ← صفت اشاره / این ← ضمیر اشاره (= این، عجب‌تر است) / این ← ضمیر اشاره (= از عجایب این) / «است» بعد از مختصر، به قرینه لفظی، حذف شده است.

★ و مثل تو چون مورچه‌ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد؛ جز غذای خویش و یاران خویش چیزی نمی‌بیند؛ و از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سریر مُلک وی، هیچ چیز ندارد. اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می‌باش و اگر نه، راهت داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.

معنی: ای انسان، مثل تو در این دنیا، مثل مورچه‌ای است که در قصر پادشاهی، لانه دارد و جز غذا و یاران خویش به چیز دیگری فکر نمی‌کند و از زیبایی قصر و غلامان بسیار و تخت پادشاه، باخبر نیست. اگر می‌خواهی در حد و اندازه مورچه باشی، در همان حد، باقی بمان و اگر نمی‌خواهی مثل مورچه باشی به تو اجازه داده‌اند که در باغ شناخت خداوند بلندمرتبه، دقت و تماشا کنی و خارج شوی. پس چشم باز کن تا شگفتی‌های جهان را ببینی که شگفت‌زده و حیران شوی.

آرایه‌ها: مثل تو چون مورچه ← تشبیه / قصر، ملک و غلام ← مراعات‌نظیر / بستان معرفت ← تشبیه (معرفت مانند بستان)؛ اما «بستان معرفت» در این درس، کلاً، استعاره از دنیا می‌باشد. / چشم و دیدن (= بینی) ← مراعات‌نظیر

نکته دستوری: مورچه ← متمم / سوراخی ← مفعول / در قصر ملکی سوراخی دارد ← جمله سه جزئی با مفعول است که «در قصر ملکی»، متمم قیدی است و جزء اجزای اصلی جمله به حساب نمی‌آید. / غذا ← متمم (جز ← حرف اضافه) / هیچ چیز ← ترکیب وصفی (هیچ ← وابسته پیشین / چیز ← هسته) / راهت (راه ← مفعول) / «ت» متمم (راه را به تو داده‌اند). / مرجع ضمیر «وی»، ملک (= پادشاه) است.

واژه‌های مهم املائی

صُنع - خدای تعالی - نهرها - جواهر و معادن - انواع نباتات - برّ و بحر - میغ - رعد و برق - قوس قُزح - علامات - عجایب - بساط - لطیف - به تدریج - دیبای هفت رنگ - حشرات - پیام‌وخته - کنده کرده باشند - ولکن - سقفی بی‌ستون - قندیل - مختصر - مثل - جمال صورت قصر - غلامان - سریر مُلک - قناعت - بستان معرفت حق تعالی - مدهوش و متحیر